



ایمیل صفحه آخر: safehkhakar@shahrvand-newspaper.ir

تقریب تاریخ

**غروب**  
گیورگ فیلیپ تیلیمان - آهنگساز آلمانی باروک و نوازنده سازهای مختلف از پیشروترین موسیقیدانان عصر خود (۱۷۶۷ میلادی)  
عبدالمجید یکم - سی و یکمین سلطان امپراتوری عثمانی از پادشاهان الحاق حکومت عثمانی به جمع ملت‌های اروپایی (۱۸۶۱ میلادی)  
میشل فوکو - فیلسوف، جامعه‌شناس، مورخ و متفکر فرانسوی، صاحب آثاری چون: نظم‌اشیا، نظم گفت‌مان، دیرینه‌شناسی دانش، مراقبت و تنبیه (۱۹۸۴ میلادی)  
فرا فاسست - بازیگر سینما و تلویزیون آمریکا، نقش آفرین در مجموعه‌های تلویزیونی چون مرد میلیون دلاری (۲۰۰۹ میلادی)

**رخداد**  
وقوع جنگ لیتل بیگ‌هورن میان سسواران نظام ایالات متحده آمریکا و بومیان این کشور، منجر به کشته‌شدن زنیال مشهور آمریکایی جورج آرمنسترانگ کاستر و همه افرادش (۱۸۷۶ میلادی)  
تشریح سیاست‌های دولت شوروی در ایران، پس از انقلاب اکتبر، مبنی بر لغو امتیازات، کابینولاسیون، بخشیدن بدهی ایران، تحویل راه‌آهن و خطوط آهن و بنادر (۱۲۹۸ خورشیدی)  
برگزاری نخستین کنفرانس نویسندگان ایران با شرکت ادیبان و محققان بزرگی چون ملک‌الشعرا، بهار، علی‌اکبر دهخدا و بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۲۵ خورشیدی)



قاب کوچک



تغیان ناشی از بارش باران‌های موسمی در ایالت آسام هند و زندگی هم‌چنان جاری است. عکس: EPA

از هردری سخنی

**از اولگا به خجوف!**  
دوباره به دیدن تولستوی رفته‌ای؟ چرا جزئیات را برایم نمی‌نویسی. من فقط این را می‌دانم که تو رفته‌ای او را ببینی. این کافی نیست و من هنوز به خلاصه‌گویی‌هایت در نامه‌ها عادت کرده‌ام. با این وضعیت طولی نخواهد کشید که دیگر برایم فقط کارت پستال بفرستی و بعد هم فقط دو کلمه بنویسی «زنده‌ام» یا چیزی شبیه این. حتی حاضرم دشنام بدهی اما بنویس. البته من بی‌فکری کردم اما امیدوارم که سلامتی تو این اجازه را بدهد که حداقل بخشی از زمستان را در مسکو بگذرانی. در غیر این صورت نیا آنتوان، فقط به من بگو چه کنم؟

**از خجوف به اولگا**  
دلبنده عزیزم، از من خواسته بودی برایت جزئیات را بنویسم و می‌نویسم. دو روز است که صبح‌ها آب معدنی می‌خورم. کار آسانی نیست. چون باید بلند شوم، کفش بپوشم، زنگ بزنم و منتظر شوم. بعد کفش‌هایم را بکنم و دوباره به رختخواب بروم. الان در پالتا هوا خوب است و بنابراین من اذیت نمی‌شوم. در یوز به دیدن گورکی رفته‌ام. در ویلا بسیار قشنگی کنار دریا اقامت دارد. اما چه قشنگی! در خانه برپاست. بچه‌ها، پسران، اصلاً جای خوبی برای یک نویسنده نیست.

**از اولگا به خجوف**  
مرد طلایی عزیز من. گاهی از تئاتر نفرت دارم و گاه به آن دیوانه‌وار عشق می‌ورزم. تئاتر به من زندگی بخشیده. غم داده است و شادی. تو را به من داده و از من انسانی واقعی ساخته است. شاید تو فکر می‌کنی که زندگی‌ام مصنوعی است و بیشتر در تخیلات می‌گذرد اما با همه این احوال زندگی است. من پیش از تئاتر زندگی گیم‌های و ملالت‌باری داشتم. دیگران را نمی‌شناختم. خودم را هم.

حرف روز

**طرح سنای آمریکا و دیزی دو سیر و نیم گوشت!**  
ماجرای برجام ظرفیت خاص خودش را دارد و پس از برجام نیز مشکلات ساختاری کشور ما به قوت خود باقی خواهد ماند. بزرگ کردن امضای برجام (با همه بزرگی‌اش) و مدیریت نکردن انتظارات شهروندان؛ اشکالی است که به تیم رسانه‌های دولت تدبیر بازمی‌گردد! از قدیم هم گفته‌اند: «دیزی دو سیر و نیم گوشت را اگر پنج گوشت بپزی، سر می‌رود!» دولت تدبیر در همان وانفاسی مذاکرات کشدار و خستگی آور، علاوه بر نشان دادن اهمیت امضای برجام باید به مردم این آگاهی را می‌داد که به توافق رسیدن با کشورهای (۵۰۱ گرچه می‌تواند) (و نوشت) برخی خطرهای بزرگ دور و نزدیک را از سر کشور ما دور کند اما همه ماجرای مشکلات معیشتی ما با امضای برجام به پایان نمی‌رسد! امروز همه کارشناسان در این نکته هم‌دستانند که ساختارهای فسادخیز، قاچاق کالا و رانت‌هایی که گهگاه شنیدن برخی از آنها دود از کله آدمی بلند می‌کند، مشکل اصلی اقتصاد ماست. کافی است سری به راسته چرم‌فروشی‌ها و کیف و کفش‌فروشی‌ها در راسته فردوسی و باغ سپهسالار بزنیم تا به رأی‌العین ببینیم که جنس‌های قاچاق چینی و ترکی‌های چه بلایی بر سر بازار آورده است. به همین ترتیب، اگر به بازار پوشاک یا بازار لوازم یدکی خودرو نیز نگاهی بیندازیم؛ شرایط چندانی بهتر از اصناف دیگر ندارند و آنها هم قربانی جنس قاچاق و فساد نظارت بر حوزه ورود و خروج کالا هستند. در خیابان «ملت» تهران کالاهای تقلبی و

فیلم جنگی ضد جنگ

تاثیرگذار تر شدن این فضا سازی کمک شایانی کرده است. نکته مهمی که در مسود «ویلاهی‌ها» به نظر می‌رسد این است که فیلم اگر چه درباره جنگ است و شجاعت فرزندان وطن و خانواده‌هایشان را می‌ستاید، اما در واقع فیلمی است ضد جنگ. گویی طبیعت صلح‌طلبانه زنانه فیلم‌ساز بر روح فیلم تاثیر گذاشته و به جای آنکه با اثری رویه‌رو باشیم در ستایش جنگ، با فیلمی سسر و کار داریم که زشتی جنگ و بلایی را که سر خانواده‌هایم آورده خوبی به تصویر می‌کشد. اما فیلم چند اشکال ریز و درشت دارد که ای کاش نداشت. به عنوان مثال، صحنه حمله جنگنده دشمن به ویلاها، که غافلگیری خوبی در روند قصه است و از جمله بهترین سکانس‌های فیلم از لحاظ فیلمبرداری هم هست، یک اشکال عجیب دارد. مگر می‌شود این همه زن و بچه در یک محیط باز بوند و آن همه گلوله از آسمان به سمتشان شلیک بشود، اما خون از بینی کسی نیفتد؟! چند مورد دیگر هم هست که خودتان فیلم را ببینید متوجه خواهید شد. (نمی‌خواهم فیلم را ببینم.)

با این حال، «ویلاهی‌ها» از فیلم‌های خوب امسال است. چند سکانس فوق‌العاده تاثیرگذار و حتی نفس‌گیر دارد (سکانس رختشویی خانه، سکانس سراسیمگی طناب‌ز در بیمارستان، و...) بازی‌ها قاسمی، طناب‌ز طباطبایی، و پریناز ایزدیار در خشان است و بقیه بازیگران هم کم‌کم نقشی آفرینی می‌کنند. و نهایتاً فیلم با انتخابی کاملاً درست و بیجا صدای کوتی پور به پایان می‌رسد که می‌خواند: «پارچه‌های غریبه‌انگیز... رفتند از این خانه... هم سوخته شمع ما... هم سوخته پروانه...»

از روزگار رفته

**صادق رضاداده!** گلشیری داستان‌نویس وقتی بهرام صادقی مُرد، خطاب به آنها که برای خاکسپاری‌اش آمده بودند، گفت: «با کمال شغف به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانم که بهرام صادقی زنده است. بله، زنده و حی و حاضر...» حالا هم کوروش اسدی شاگرد و یار گلشیری به او پیوسته است. می‌رود تا داستان بخواند و بنویسد. او که از نسل همان نویسندگانی است که «جلسات پنجشنبه‌ها» داستان‌خوانی در جمع گلشیری را در کمر کرده بود و ام‌وخته از استاد و از آن نسل است که سخت می‌نوشت و با احتیاط زیاد در سطره بر زبان کار می‌کرد. نویسنده سوسالی‌ای که ویراستار بود، او را به تلخی در چاپ و نشر داستان‌هایش کشتانده بود. ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ که بیاید او ۴۵ سالش می‌شود. با چند مجموعه داستان و رمان، پوکه‌ها، باغ ملی، پایان محل رویت است، گنبد کبود و این‌ها، رمان کوچ‌های گمشده که بعد از ۷ سال چاپ شد را باید گذاشت کنار آن‌ها. قفسه‌های جداگانه برای نویسندگانی

**وقتی از کوروش اسدی چیزی می‌بینیم**  
ومی‌خوانیم این تاریخ‌ها یادمان می‌آید:  
(۱۸ مرداد ۱۳۴۳ - ۳ تیر ۱۳۹۵)

فوکوس

۲۰ سال پیش، برابر با بیست و پنجم ژوئن ۱۹۹۷ میلادی، لاک ایوکوستو، کاشف، بوم‌شناس، مستندساز، عکاس، نویسنده و مخترع آبخش مصنوعی (کلکتور تنفس زیر آب) در پاریس درگذشت. کوستو زندگی خود را به مطالعه دریاها و اقیانوس‌ها، از جمله اشکال مختلف حیات اختصاص داد. او عضو فرهنگستان زبان فرانسه بود. او بنیانگذار کنفدراسیون جهانی فعالیت‌های زیر آب است.



صادق رضاداده! گلشیری داستان‌نویس وقتی بهرام صادقی مُرد، خطاب به آنها که برای خاکسپاری‌اش آمده بودند، گفت: «با کمال شغف به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانم که بهرام صادقی زنده است. بله، زنده و حی و حاضر...» حالا هم کوروش اسدی شاگرد و یار گلشیری به او پیوسته است. می‌رود تا داستان بخواند و بنویسد. او که از نسل همان نویسندگانی است که «جلسات پنجشنبه‌ها» داستان‌خوانی در جمع گلشیری را در کمر کرده بود و ام‌وخته از استاد و از آن نسل است که سخت می‌نوشت و با احتیاط زیاد در سطره بر زبان کار می‌کرد. نویسنده سوسالی‌ای که ویراستار بود، او را به تلخی در چاپ و نشر داستان‌هایش کشتانده بود. ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ که بیاید او ۴۵ سالش می‌شود. با چند مجموعه داستان و رمان، پوکه‌ها، باغ ملی، پایان محل رویت است، گنبد کبود و این‌ها، رمان کوچ‌های گمشده که بعد از ۷ سال چاپ شد را باید گذاشت کنار آن‌ها. قفسه‌های جداگانه برای نویسندگانی